



مجید دارابی

عضو هیئت‌عامل

و معاونت مالی

بانک تجارت

رقم تعهدات بازنشستگی آن‌چنان بالاست که در صورت ثبت در دفاتر کلیه بانکها مشمول ماده ۱۴۱ اصلاحیه قانون تجارت می‌گردند

سپاس

مدیر حسابرسی دیروز در سازمان حسابرسی و اینک عضو هیئت‌عامل و معاونت مالی بانک تجارت. خوش آمدید جناب آقای دارابی همراه همیشگی ما در مجله حسابرس. با همراهی شما در این شماره از چالشهای تجدید ارزیابی و اندازه‌گیری ارزش منصفانه با مخاطبان حسابرس به‌گفتگو خواهیم نشست. مبالغه در قیمت‌گذاری و ارزیابی "داراییهای ثابت" با توجه به فقدان نظام مدون ارزیابی در کشور، نبود استانداردهای ارزیابی و عدم وجود ضوابط اصولی ارزیابی و قیمت‌گذاری مطابق روال و رویه‌های معمول در کشورهای پیشرفته و بسیاری از کشورهای هم‌تراز ما، بنا به مشاهدات متعدد

می‌شود اگر در کشور ایجاد شود قطعاً در راستای تجدید ارزیابی دقیقتر و ایجاد اطمینان بیشتر در استفاده‌کنندگان از این‌گونه اطلاعات موثر خواهد بود.

سازش

طبق آنچه در ماده ۱۴ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی ذکر شده است "به‌منظور رونق تولید و ایجاد اشتغال از طریق اصلاح ساختار مالی شرکتها و کارآمدسازی افزایش بهای ناشی از تجدید ارزیابی داراییهای اشخاص حقوقی و افزایش سرمایه از این محل مجاز" شمرده شده است. آیا اصلاح ساختار سرمایه به این شکل کمکی به رونق تولید و ایجاد اشتغال مورد هدف قانون می‌کند؟

دارایی

شفاف نمودن صورتهای مالی و توجه به ویژگی مربوط بودن اطلاعات اقدامی مفید و مطلوب است. هرچند افزایش بهای ناشی از تجدید ارزیابی داراییها و افزایش سرمایه از این محل تقریباً هیچ تاثیر مستقیمی بر رونق تولید و ایجاد اشتغال مورد هدف قانون ندارد. لیکن ساختار مالی را اصلاح نموده و با برطرف شدن برخی موانع بر رونق تولید اثر می‌گذارد. مثلاً

قابل ذکر است

عدم انتقال تمام یا بخشی از

مازاد تجدید ارزیابی به

سرمایه مانع برخورداری از

معافیت مالیاتی نخواهد شد

و شواهد قابل توجه عملاً ارزیابیهای انجام‌شده در موارد زیادی بسیار متفاوت از ارزش موردانتظار انجام می‌پذیرد یا مشکوک به ارزیابیهای دست‌و‌لبازانه است. در آغاز بفرمایید در غیاب وجود دستورالعمل، کارشناسی رسمی در ایران از نگاه صورتهای مالی چه میزان قابلیت اتکا دارد؟

دارایی

فقدان استانداردهای ارزیابی لزوماً به معنای عدم‌تکاپذیری ارزیابی انجام‌شده توسط کارشناسان رسمی نیست. باید بپذیریم کارشناسان مربوط دارای چنان صلاحیت علمی و تجربی بوده که پس از آزمون و سپری کردن فرایند پذیرش کارشناسی، مجاز به فعالیت می‌باشند و در طول مدت عضویت توسط کانون یا مرکز مشاوره وکلا و کارشناسان قوه قضاییه تحت نظر و مدیریت قرار دارند.

سازش

تاثیر وجود دستورالعمل ارزیابی چیست؟

دارایی

وجود دستورالعملی مدون و انتشار آن جهت اطمینان‌دهی به جامعه، می‌تواند نقش به‌سزایی در پذیرش ارزیابی انجام‌شده داشته باشد و از تفاوت قابل توجه نیز در ارائه نظرات کارشناسی اجتناب می‌گردد. هر چند تاکنون آماری مبنی بر تفاوت معنادار در ارزیابیهای ارائه شده نسبت به یک موضوع خاص، وجود نداشته و یا قابل توجه نبوده است. لذا در حال حاضر همین ارزیابیها مبنای نظر حقوقدانان و اعمال اقدامات مالی قرار می‌گیرد.

سازش

تا قبل از تدوین دستورالعملهای لازم چه باید کرد؟

دارایی

در این راستا آموزش مستمر کارشناسان را می‌تواند گام موثری در جهت کاهش اختلاف نظرهای کارشناسی تا قبل از تدوین دستورالعملهای لازم در نظر گرفت. در عین حال وجود نظام درون ارزیابی شامل استانداردهای ارزیابی و وجود شاخصهای مشخص در صنایع مختلف که توسط واحدهای مستقل در زمانهای خاص و بدون توجه به نحوه استفاده از آنها تهیه

محسوب می‌شود؟ نظر شما در خصوص این نظر سازمان بورس چیست؟

دارایی

طبق آخرین اصلاحیه سازمان بورس و اوراق بهادار در تاریخ ۱۴۰۱/۶/۱۴، "تنها ارزش زمینها و ساختمانهایی جهت انتقال به سرمایه قابل قبول می‌باشد که تحت مالکیت مسلم شرکت متقاضی بوده و دارای سند مالکیت رسمی نسبت به همه حقوق مالکانه ملک باشد مگر درخصوص مواردی که به تصریح قانون از این حکم استثناء شده باشد". همچنین در استاندارد حسابداری تصریح گردیده است هنگام تجدید ارزیابی یک قلم از داراییها باید تمام اقلام آن طبقه نیز مورد تجدید ارزیابی قرار گیرند. که این موضوع در ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی تبصره (۱) ماده (۱۴۹) اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم، مبنی بر رعایت استانداردهای حسابداری جهت برخورداری از معافیت مالیاتی قید گردیده است. لذا بر این اساس تجدید ارزیابی کل داراییهای یک طبقه طبق استانداردهای حسابداری و الزامات قانونی ضروری می‌باشد، هرچند نظر سازمان بورس در جهت اطمینان‌دهی از ورود و وجود منافع قابل اتکا برای سهامداران بوده لیکن از آنجایی که مراحل اطمینان بخشی توسط کارشناسان رسمی و حسابرسان و بازرسان قانونی مورد بررسی قرار گرفته است، لذا مناسب‌تر است که بر این مبنای سازمان بورس نیز نسبت به تعدیل رویکرد اقدام نماید. قابل ذکر است عدم انتقال تمام یا بخشی از مازاد تجدید ارزیابی به سرمایه مانع برخورداری از معافیت مالیاتی نخواهد شد.

سازمان

با توجه به این‌که کارشناس ارزیابی در بخش عمومی کارشناس منتخب مجمع عمومی می‌تواند از کارکنان خود مجموعه باشد تجدید ارزیابی در بخش عمومی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دارایی

بخش عمومی به صورت عام که شامل وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکت‌های دولتی است مدنظر آیین‌نامه نیست و صرفاً برای شرکت‌های دولتی استفاده از کارشناس منتخب مجمع عمومی را

در شرکتهای دولتی

تاثیر افزایش سرمایه از

طریق تجدید ارزیابی

داراییهای ثابت

به اندازه بخش غیردولتی به ویژه

شرکتهای بورسی نیست

موسسات مالی و اعتباری، تسهیلات به شرکتهای مشمول ماده ۱۴۱ اصلاحیه قانون تجارت ارائه نمی‌کنند، لیکن پس از تجدید ارزیابی و افزایش سرمایه و بهبود برخی نسبتهای مالی و بالابردن رتبه اعتباری، بدین ترتیب از شمول ماده مزبور خارج شده و بانکها مجاز به ارائه تسهیلات به این‌گونه بنگاههای اقتصادی می‌باشند که خود منجر به رونق تولید و تداوم فعالیت آن‌ها می‌گردد.

سازمان

سازمان بورس و اوراق بهادار در تاریخ ۷ خرداد ۱۳۹۹، ضمن مشخص کردن ترتیبات کارشناسی زمین و ساختمان و مندرجات گزارش هیئت کارشناسی به منظور تجدید ارزیابی، مقرر کرده است که تنها ارزش زمین و ساختمانهای دارای سند مالکیت تک برگ و سند دفترچه‌ای منگوله‌دار به نام واحد تجاری، جهت انتقال به سرمایه قابل قبول می‌باشد و ارزش سایر اسناد و املاک اوقافی قابل انتقال به سرمایه نمی‌باشد. در چنین شرایطی، آیا عدم تجدید ارزیابی زمینها و ساختمانهای فاقد ویژگیهای مورد قبول سازمان بورس و اوراق بهادار، انحراف از استانداردهای حسابداری

دارایی

بله کاملاً موافقم. تجدید ارزیابی بیانگر ارزش منصفانه ارقام داراییهاست که بر مبنای یک معامله فرضی بین فعالان بازار شکل می‌گیرد. گاه به دلیل عدم وجود بازار فعال و کارا از تکنیکها و سازوکارهایی برای دستیابی به ارزش منصفانه داراییها استفاده می‌شود که از شفافیت لازم برخوردار نیست و در عین حال ذهنی می‌باشد. در هر دو حالت وجود یا عدم وجود بازار، به دلیل وجود شرایط خاص تجدید ارزیابی جریانهای نقدی به هیچ عنوان در تجدید ارزیابی متبلور نیست و ارزشهای تصفیه نیز به خودی خود اطلاعاتی در خصوص زمان و میزان جریانهای نقدی ناشی از داراییها در آینده ارائه نمی‌دهد. این از نقاط ضعف برجسته تجدید ارزیابی داراییها محسوب می‌شود.

سازش

چالشهای موجود در تجدید ارزیابی داراییهای نامشهود در شرکتهای دانش بنیان کدامند؟

مجاز دانسته است. در شرکتهای دولتی تاثیر افزایش سرمایه از طریق تجدید ارزیابی داراییهای ثابت به اندازه بخش غیردولتی به ویژه شرکتهای بورسی نیست چرا که در بخش دولتی صرفاً سهام دولت و مبلغ دفتری داراییها افزایش می‌یابد و هیچگونه نقل و انتقال سهامی هم صورت نمی‌گیرد، در حالی که در بخش غیردولتی و به ویژه در شرکتهای سهامی این ارزیابیها در نهایت عامل افزایش سرمایه و به احتمال زیاد نقل و انتقال سهام هم بر اساس آن انجام می‌شود، لذا در شرکتهای دولتی حساسیتها آنچنان بالا نیست، ضمن این که در شرکتهای دولتی صنایع خاصی وجود دارد که صرفاً متخصصین آن در بخش دولتی و همان شرکت قرار دارند و بعضاً کارشناسان بیرونی تخصص لازم را برای ارزیابی آن داراییها ندارند. علاوه بر این که برای تجدید ارزیابی شرکتهای دولتی حساسیت کمتری وجود دارد، در هنگام تهیه گزارش حسابرس و بازرس قانونی در مورد افزایش سرمایه قطعاً حسابرسان محترم از منطقی بودن مبنای تجدید ارزیابی اطمینان حاصل می‌نمایند، حتی اگر لازم باشد از کارشناسان مستقل استفاده می‌کنند تا پس از آن گزارش توجیهی افزایش سرمایه را صادر نمایند. در هر صورت دارابودن شرط استقلال و برخورداری از صلاحیت فنی جهت پیشبرد مقاصد حرفه‌ای از اولویتها و الزامات اطمینان بخشی در هر نوع فعالیت است. هرچند استفاده از کارشناسان تحت استخدام شرکتهای می‌تواند به دلیل شناخت بیشتر و عمیق تر ایشان نسبت به داراییهای شرکت مناسب تر باشد و نیز موجب تسریع انجام عملیات و کاهش چشمگیر هزینه‌ها شود، لیکن به دلیل شائبه عدم برخورداری از استقلال مناسب، منجر به تردید در نتایج حاصله و اطمینان بخشی می‌گردد. همچنین طبق استانداردهای حسابداری معتبر بودن نتایج ارزیابی مدنظر است و چنانچه شرکت از ارزیابان با صلاحیت در استخدام استفاده نماید به شرط آن که نتایج کار آنها مورد تایید ارزیابان مستقل قرار گیرد بلامانع است.

سازش

ارزشهای تجدید ارزیابی، ارزشهای تصفیه است و ارزشهای مبتنی بر جریانهای نقدی نیست. نظر شما در این خصوص چیست؟

ارزشهای تصفیه نیز به خودی خود

اطلاعاتی در خصوص زمان و

میزان جریانهای نقدی ناشی از

داراییها در آینده ارائه نمی‌دهد

این از نقاط ضعف برجسته

تجدید ارزیابی داراییها

محسوب می‌شود

کسر استهلاک انباشته) گزارش شوند و شرکتها مجاز نیستند داراییهای ثابت را بیشتر از بهای تمام شده گزارش نمایند حتی اگر ارزش بازار داراییهای ثابت بیشتر از ارزش دفتری باشد. اما طبق استانداردهای بین‌المللی حسابداری و استاندارد حسابداری ایران، گزارش اضافه ارزش مجاز می‌باشد. به نظر شما کدام نحوه حسابداری مطرح شده با توجه به محیط اقتصادی ایران مناسب است؟

دارایی

در شرایط خاص اقتصادی در ایران با نرخهای تورم بالا در چندین سال متوالی و کاهش ارزش پول به‌کارگیری استانداردهای امریکا و ثبت داراییها صرفاً به‌قیمت تمام شده پس از کسر استهلاک قطعاً نهنه‌تها مفید نیست بلکه بنظرم گمراه‌کننده هم هست لذا رعایت استانداردهای ایران و ثبت اضافه ارزش مناسب‌تر است و اطلاعات مربوطتری ارائه می‌نماید.

حسابداری

با توجه به تجربیات شما در حسابرسی و پس از آن در سمت اجرایی بانکها اگر مورد دیگری در زمینه تجدید ارزیابی داراییها و موارد مرتبط وجود دارد مطرح بفرمایید.

دارایی

بر اساس مفاد ماده ۱۴۱ اصلاحیه قانون تجارت "اگر بر اثر زینتهای وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود هیئت‌مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقاء شرکت مورد شور و رای واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رای به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده ۶ این قانون سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد". این‌گونه شرکتها را اصطلاحاً شرکت‌های ورشکسته نیز می‌نامند اما بسیاری از این شرکتها که مشمول این قانون هستند شرکت‌های ارزشمندی هستند که با مدیریت مناسب و از طرق مختلف از جمله افزایش سرمایه از محل‌های تجدید ارزیابی و آورده

به نظر می‌رسد در خصوص

واحدهای دانش بنیان

صرف تکیه بر

الزامات شناسایی

مخارج توسعه به‌عنوان

دارایی چاره نهایی نیست

دارایی

بر اساس الزامات استانداردهای حسابداری تنها مخارج توسعه به‌عنوان داراییهای نامشهود قابل اندازه‌گیری و شناسایی به‌عنوان دارایی می‌باشد. در حالی‌که شرکت‌های دانش بنیان در بسیاری از موارد مخارج تحقیقاتی هنگفتی را متحمل می‌شوند که با شرایط مخارج توسعه فاصله زیادی دارد. با توجه به استانداردهای کنونی این مبالغ باید به‌عنوان هزینه دوره شناسایی شود. این امر برای این شرکتها آسیبهای جبران‌ناپذیری به‌همراه دارد. به نظر می‌رسد در خصوص واحدهای دانش بنیان، صرف تکیه بر الزامات شناسایی مخارج توسعه به‌عنوان دارایی چاره نهایی نیست و باید به‌سمتی حرکت کرد که ضمن سرمایه‌ای نمودن مخارج تحقیقاتی، زبان کاهش ارزش این مبالغ در دوره‌ای که انتفاع از آنها متصور نیست، بلادرنگ مورد شناسایی قرار گیرد.

حسابداری

طبق اصول پذیرفته شده حسابداری امریکا، داراییهای ثابت باید به ارزش دفتری (بهای تمام شده پس از

مشمول ماده ۱۴۱ اصلاحیه قانون تجارت می‌گردند. در این راستا در مفاهیم نظری گزارشگری مالی بر وجود حق قانونی تهاثر به‌عنوان یکی از شاخصه‌های این موضوع تاکید شده است.

به‌دلایل زیر این تعهدات نباید مستقیماً در سودزبان بانکها اثر بگذارد.

۱- سودزبان بانکها نتیجه عملکرد مدیران است در صورتی‌که این‌گونه اقلام که کاملاً نتیجه عملکرد را زیر و رو خواهد کرد نتیجه عملکرد مدیران نیست.

۲- افزایش داراییها به‌ویژه داراییهای ثابت ناشی از موضوع فوق را با تصویب یک قانون آمره مستقیماً به‌افزایش سرمایه می‌بریم در صورتی‌که افزایش تعهدات ناشی از همین موضوع را به‌گونه‌ای دیگر عمل می‌کنیم.

۳- این‌گونه اقلام شرایط عدول از استانداردهای حسابداری را دارند چراکه نه نتیجه عملکرد مدیران است و نه در صورت رعایت شفافیت بیشتری ارائه می‌کنند بلکه کاملاً عملکرد بانکها را گمراه‌کننده خواهد نمود. لذا پیشنهادی در این ارتباط به‌مقامات مسئول ارائه شده که جمع جبری افزایش داراییها و افزایش بدهیهای ناشی از تورم حاد و یا کاهش شدید ارزش پول به‌ویژه تعهدات آتی بازنشستگان بانکها چون از یک مقوله هستند به‌حساب افزایش سرمایه منظور شوند هرچند به‌اعتقاد من شرایط عدول از استاندارد را دارند و نیازی به قانون آمره ندارند لیکن در صورت ضرورت مصوبات لازم را از مراجع ذیربط اخذ نمایند.

سپاس

امیدواریم پنجره گفتگوی حسابرس منشا اخذ تصمیمات خوب و مناسبی در جهت رفع این بند از گزارش حسابرسی بانکها شود. برای شما آرزوی

موفقیت داریم. 

نقدی می‌توانند از شمولیت این ماده قانونی خارج شوند. همچنین طبق ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی تبصره (۱) ماده (۱۴۹) اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم "پوشش زیان از محل مازاد تجدید ارزیابی و انتقال این مازاد به حساب سودزبان یا اندوخته یا توزیع آن به هر شکل بین صاحبان سرمایه، به‌منزله عدم‌رعایت استانداردهای حسابداری و همچنین تحقق درآمد در آن سال است و مشمول مالیات بر درآمد خواهد بود". یکی از چالشهای کنونی حسابرسان و مدیران شرکتهای بانکی و بیمه‌ای کفایت کاهش ارزش مطالبات و تعهدات بازنشستگی کارکنان است که هر ساله موجب تعدیل اظهارنظر گزارشات حسابرس مستقل شده است. در صورت شناسایی و ثبت تعدیلات موردنظر حسابرسان اکثر شرکتهای مذکور مشمول ماده ۱۴۱ اصلاحیه قانون تجارت خواهند شد. موضوع تهاثر داراییها و بدهیها، درآمدها و هزینه‌ها مطابق با استاندارد حسابداری شماره ۱ "ارائه صورتهای مالی" نیازمند الزام یا تجویز از سوی سایر استانداردهای حسابداری شمرده شده است. در شرایط تورم حاد یا به‌عبارتی کاهش چشمگیر ارزش پول همه متوجه تجدید ارزیابی داراییها هستیم. علاوه‌بر استانداردهای مرتبط قوانین آمره‌ای هم تدوین شده که اطلاعات صورتهای مالی را شفاف‌تر کنیم، لیکن متأسفانه به‌رشد و جهش تعهدات آتی که در برخی از نگاه‌ها از جمله بانکها وجود دارد توجه نشده است.

سپاس

منظور شما از تعهدات آتی چیست؟

دارایی

بله منظورم تعهدات آتی مربوط به بازنشستگان می‌باشد که بانکها متعهد به‌تامین آن هستند. کوچکترین تغییر در حقوق بازنشستگی و مستمری بازنشستگان تاثیر اساسی در تعهدات آتی آنها تا سن امید به زندگی دارد و کاهش شدید ارزش پول یا تورم حاد موجود این تعهدات را بسیار افزایش داده به‌گونه‌ای که در حال حاضر یکی از شروط گزارشهای حسابرسی و بازرسی قانونی در بانکها می‌باشد چرا که آن چنان رقم بالاست که در صورت ثبت در دفاتر کلیه بانکها